



یادداشت

فساد ستیزان واقعی زحمتکشان هستند نه امثال رئیسی

صادق کار



دادگاه رسیدگی به پرونده فساد امید اسدیگی و شرکا پس از تشکیل چند جلسه خصوصی خارج از دادگاه میان طرفین دینفع دو هفته پیش بدون دادن هیچ اطلاعی در مورد علل آن متوقف و حساب‌های بلوکه شده متهم اصلی آزاد شد. ادامه محاکمه در حالی متوقف شد که نماینده دادستان افراد تحت محاکمه را به اختلاس، رشوه، انتقال غیرقانونی ارز و پولشویی متهم کرده بود و رسانه‌ها لیست بلند بالایی از جرایم دارودسته اسدیگی را پی‌پای منتشر می‌کردند. رئیسی و دارودسته‌اش نیز در این هنگام همچنان مشغول لاف زدن راجع به جدی بودن در مبارزه با فساد و بازگرداندن اموال به غارت رفته مردم بودند. در این میان و در حالیکه اهل فساد در پس پرده مشغول ساخت و پاخت برای کنار آمدن با هم بودند این کارگران هفت تپه بودند که با نگرانی اما پیگیرانه جلسات دادگاه را دنبال می‌کردند و با وجود بدبینی که نسبت به عاقبت کار داشتند خواستار مجازات باند اسدیگی و برگرداندن اموال به یغما برده شده کارخانه‌شان شدند. کارگران می‌دیدند رفتار دادگاه با اسدیگی مانند رفتار با یک متهم که بقول خودشان تنها یکی از جرایم اش اختلاسی حدود یک و نیم میلیارد دلار بوده نیست. حتی برخلاف متهمان فرعی تر هم پرونده‌ای اسدیگی که با لباس زندانی در دادگاه حضور پیدا می‌کردند، اسدیگی با کت و شلوار در دادگاه حاضر می‌شد و اثری از نگرانی از اینکه محکوم شود در رفتارش به چشم نمی‌خورد. زمانی که حساب‌های بلوکه شده وی به بهانه پرداخت کردن دستمزدها و دیون معوقه وی به کارگران و تامین اجتماعی آزاد شد و او تنها نیمی از بدهی



هایش را پرداخت کرد، کارگران دیگر برایشان تشریفاتی بودن محاکمه و ماست مالی شدن اموال به سرقت رفته مسجل شد و معنی این ضرب المثل را که می‌گوید "چاقو دسته خودش را نمی‌برد" در عمل تجربه کردند. آری نماینده سازمان خصوصی سازی به نمایندگی از طرف دولت بر باقی ماندن هفت تپه در مالکیت اسدیگی تاکید کرد. نمایندگان مجلس، دستگاه قضایی، وزارت اطلاعات و دیگر نهادهای حاضر در جلسه نیز هیچ کدام شان از خواست کارگران دفاع نکردند. وزیر اقتصاد حکومت "مستضعفین" نیز که در جلسه حاضر بود مستضعف دوستی را بجایی رساند که حتی حاضر نشد بنشیند و به شکایت نماینده "مستکبر" کارگران که در جلسه بود گوش کند! تو گویی نماینده کارگر را با نماینده "ترامپ" عوضی گرفته بود! امید اسدیگی تنها یک نمونه از هزاران مورد اختلاس ها و غارت‌هایی هستند که تا کنون در کشور زیر نظر و با همکاری مسئولین حکومتی انجام گرفته اند ولی عوامل اکثر قریب به اتفاق شان نه محاکمه شده‌اند و نه اموال به غارت شده را از آنها پس گرفته‌اند. گاهی عده‌ای به نام مبارزه با فساد محاکمه و مجازات شده‌اند که البته بیشتر به منظور سرپوش نهادن بر فسادهای کلان تر و از زیر ضرب خارج کردن فاسدان بزرگتر بوده اند. هر از چند گاهی جناح‌هایی که دست بالاتری در قدرت حاکمه دارند وقتی اختلاف منافعشان با هم زیاد می‌شود و یا هنگامی که در فکر زدیدن آرای مردم در انتخابات هستند برای از میدان بدر کردن رقیب و سرکار گذاشتن مردم بساط مبارزه با فساد علم می‌کنند و بعد از این که به مقصود مورد نظرشان رسیدند آن را جمع می‌کنند.

این بار نیز رئیسی را مامور این کار کرده‌اند. با این اوصاف بواسطه گستردگی و همه گیر بودن فسادهای در میان غاصبان قدرت خیلی زود مجبور شدند فتیله را پائین بکشند و "قضیه را کش ندهند". وقتی که در اوج لاف و گزافه گویی های کرکننده مدعیان مبارزه با فساد، مفسدان اقتصادی دانه درشتی امثال صادق لاریجانی و قالیباف را به عضویت در مجلس خبرگان و ریاست مجلس بر می‌گمارند دیگر چه کسی پیدا می‌شود که ادعای مبارزه با فساد سرکردگان و فاسد رژیم را باور نماید. شرط لازم جهت مبارزه با فساد وجود جناحی در حکومت است که خود فاسد نباشد و از اقتدار لازم برای انجام این کار برخوردار باشد. در حکومت نشانه‌ای از حیات چنین جناحی وجود ندارد. در چنین سیستمی تنها مردم عادی هستند که باید با فساد حاکمان مبارزه کنند و مبارزه با فساد از مبارزه با سیستم تفکیک ناپذیر است. بهمین جهت هر کس بطور جدی بخواهد با فساد مبارزه کند باید تاوان سنگینی برای آن بپردازد.

مردم عادی، کارگران، معلمان پرستاران، روزنامه نگاران، که ده‌ها سال است به چشم خود غارت موسسات تولیدی، آموزشی، بهداشتی و حتی پالایشگاه‌ها توسط وابستگان به قدرت را که زیر پوشش خصوصی سازی انجام گرفته مشاهده و پیامدهای فاجعه بار این غارتها را با پوست و گوشت و استخوان شان در زندگی، کار و معیشت خود لمس نموده‌اند و تا جایی که توانسته‌اند به اعتراض علیه آن برخاسته اند فساد ستیزان واقعی هستند. خامنه‌ای ها، لاریجانی ها، قالیباف ها، روحانی ها و رئیسی ها سرکردگان اصلی فساد در کشور هستند. هم از این روست که روحانی، جهانگیری و رئیس سازمان خصوصی سازی از جوان فاسدی مثل امید اسدیگی که یک شبه ره صد ساله را پیموده و مالک یکی از مجتمع های کلان اقتصادی کشور شده حمایت می‌کنند و نسبت به رقبای حکومتی شان



هشدار می دهند و از آنها می خواهد "کاری نکنند که توقع مردم بالا برود". مجازات اختلاسگران گویا از نظر آنان بالا بردن توقع مردم است! متقابلاً خامنه‌ای و رئیسی بر فساد قالیباف چشم بر می بندد و وی را بر مسند قوه به اصطلاح قانون گذاری می نشانند! در نهایت هم "توقع مردم را بالا نبرید" می شود کلید واژه یک سازش برادرانه دیگر بین سرکردگان اخوان مفسد. همه سرکردگان جناح های حکومت به یک اندازه دشمن مردم هستند و به تبع آن نه در ماهیت شان است و نه میل دارند توقع مردم را بالا ببرند یا بطور جدی با فساد مبارزه کنند. بر عکس آنها می خواهند توقع اقتصادی مردم را در زیر خط فقر قفل کنند. و نهایت توقع سیاسی مردم هم محدود به آزادی رقابت های سیاسی بین جریانات وابسته به قدرت بماند. آری روحانی نگران درز کردن گوشه های از فسادهای است که در جریان خصوصی سازی در دوره وی انجام شده. بهمین دلیل است که نسبت به محاکمه ی اسد بیگی و محاکماتی از این دست هشدار می دهد. با این همه روحانی باید بداند که سطح توقعات مردم در زمینه های مختلف را خود مردم جامعه هستند که در نهایت تعیین می کنند و نه حاکمان یک کشور.



از کارگران اعتصابی حمایت کنیم!



کوه بورس موش زایید

مراد رضایی



بورس جایگزین برجام

تز اقتصادی دولت روحانی در آغاز کار این دولت، اکیداً متکی به جلب سرمایه‌ی خارجی بود. در دوران تلاش دولت برای تصویب برجام، ادعای مقامات اقتصادی دولت این بود که تمام مشکلات کشور با برجام به انتها خواهد رسید. در آن دوران حتی انجام وظایف جاری دولت نظیر تامین آب شرب، راه‌سازی و حتی کنترل قیمت نان، به دوران پسابرجام موکول می‌شد! منطق دولت این بود که با توجه به ارزان بودن نیروی کار در ایران، گشایش امکان سیاسی ورود سرمایه‌ی خارجی به کشور موجب خواهد شد شرکت‌های چند ملیتی، به طمع سود بیشتر، بدون انتقال توان صنعتی و تکنولوژی به ایران، از نیروی کار جوان و توانمند ایرانی استفاده کنند و در نتیجه بخش‌هایی از تولید این شرکت‌ها در ایران انجام شود.

این تز حتی اگر با موفقیت پیش می‌رفت و برجام در میانه‌ی راه به سرنوشت کنونی اش مبتلا نمی‌شد، رشد اقتصادی را در بهبود شاخص‌هایی نظیر تولید ناخالص ملی بازتاب می‌داد. شاخصی که بدون کنترل تورم و یا افزایش سطح کیفیت زندگی کارگران قابل بهبود است. بنابراین موازی با پیش بردن سیاست جلب سرمایه‌ی خارجی، تلاش برای ارزان‌سازی نیروی کار از طریق کاهش دستمزدها و یا طرح‌هایی نظیر کارورزی انجام می‌شد تا جذابیت نیروی کار ایرانی برای شرکت‌های چندملیتی افزایش پیدا کند. در واقع هدف اقتصادی دولت، نه بهتر کردن اوضاع معیشتی طبقات متوسط و فرودست، که پرتز کردن جیب سرمایه‌داران، حتی به قیمت قربانی کردن فرودستان بود. به هر حال برجام شکست خورد و سرمایه‌ی خارجی وارد ایران نشد. اکنون در تز اقتصادی دولت، بورس جای برجام را گرفته است. اگر در روزهای ابتدایی دولت روحانی، همه‌چیز به برجام حواله می‌شد، اکنون این بورس است که در گفتار مقامات اقتصادی قرار است از ایران بهشت بسازد!



اما کوه یخ بورس در هفته‌ی اخیر در مدت کوتاهی آب شد و سرمایه‌های خرد طبقات متوسط و فرودست، اولین قربانیان سیل این کوه یخ بودند.

یک نمونه از وابستگی به بورس

موضوع فروش نفت در بورس هنوز داغ است. فروشی که انجام آن فشار جدیدی بر فشارهای اقتصادی وارد شده به مردم خواهد افزود و البته دولت ادعا می‌کند این کار اجتناب‌ناپذیر است. بیژن نامدار زنگنه، وزیر مادم‌العمر نفت، اخیر در مصاحبه‌ای با اشاره به فرسودگی میادین نفتی و لزوم سرمایه‌گذاری در این میادین گفته است، با توجه به تحریم و نبود امکان فروش نفت «صنعت نفت در حال حاضر بیشتر متکی به بازار سرمایه و تجهیز منابع از بازار سرمایه است چون منابع سنتی کفاف نمی‌دهد.» اقتصاد ایران به شدت وابسته به نفت است و اکنون وزیر نفت می‌گوید، تولید نفت وابسته به بورس است!

میادین نفتی و امکانات صنعت نفت ایران، هنگامی که نفت صد دلاری بیش از دو میلیون بشکه در روز به فروش می‌رسید، فرسوده نمی‌شد! اما اکنون که ایران قادر به فروش نفت نیست و با کاهش قیمت نفت، حتی در صورت فروش آن هم چیزی عاید بودجه نخواهد شد، میادین به یکباره فرسوده شده‌اند و نیاز به تعمیر دارند.

فضاسازی اقتصادی دولت به طور کلی برای جلب مردم به بورس دو پایه دارد. یک اینکه بورس سود بسیار بالایی دارد و دوم اینکه اقتصاد کشور به حضور مردم در بورس نیازمند است. بنابراین چنین وانمود می‌شود که هر تغییری در عرصه‌ی اقتصادی، منتظر تکانه‌های مثبت و یا منفی بورس است.

چرا بورس نزولی شده است؟

اما تز اقتصادی وابسته به سرمایه‌داری مالی دولت، در مدت کوتاهی شکست خورد. در هفته‌ی اخیر موضوع اصلی بسیاری از بحث‌های اقتصادی، نزول روزمره‌ی بورس بوده است. نزولی که سرمایه‌های کوچک بسیاری را به باد داد. بحث‌های مختلفی حول چرایی فروریختن کاخ بورس مطرح شده است. از دید دولت، مقصر مردم هستند که «صبور» نبودند و سهام عدالت را در بازار فروختند! طرفداران ایده‌ی بورس هم نزول فعلی را موقتی می‌دانند و گذرا. اما:

یک- حتی در متکی‌ترین اقتصادها به سرمایه‌داری مالی، نسبتی ضمنی بین بخش‌های تولید و تجارت با بورس وجود دارد. قیمت سهام شرکت‌های بزرگ را غالباً پیشرفت و پسرفت این شرکت‌ها در تولید و تجارت تعیین می‌کند. در بورس ایران اما منطق دولت این بود که تولید و تجارت تابع بازار سرمایه باشند و حتی در قیمت‌گذاری‌ها و عرضه‌های اولیه، گاه شرکت‌های ورشکسته با قیمت‌های هنگفت وارد بازار بورس شدند. این حباب بزرگ دیر یا زود می‌ترکید!

دو- در این میان با توجه به نبود نظارت در بورس و رواج اطلاعاتی، سهامداران بزرگ سودهای هنگفتی کردند که تمام آن از جیب سهامداران خرد بود. به این صورت که سهامداران بزرگ منابع مالی بزرگی را وارد بورس کردند، سهام خریدند و در نقطه‌ی اوج قیمت سهام، اقدام به فروش



گسترده کردند که همین مساله باعث افت ناگهانی قیمت سهام در نتیجه ضرر و زیان سهامداران کوچک شدند.

سه- تبلیغات گسترده‌ی پروپاگاندای حکومتی انتظارات مردم از بورس را افزایش داد و موجب شد بخشی از مردم با امید سود، دار و ندار خود را وارد بورس کنند. نیم درصد مالیات خرید و فروش سهام و همچنین سود ۳۰ هزارمیلیارد تومانی از بورس در چند هفته برای دولت، دلیل اصلی این پروپاگاندای گسترده بود.

چهار- مساله‌ی دیگر فروش سهام عدالت توسط مردم بود. دولت انتظار داشت دارندگان سهام عدالت، به معامله‌گران بورسی تبدیل شوند. اما نیاز مالی مردم و بی‌رغبتی به بازار سرمایه از یک سو و بی‌اعتمادی بخش بزرگی از مردم به ادعاهای اقتصادی دولت از سوی دیگر سبب شد مردم به پول نقد حاصل از فروش سهام عدالت بیش از آینده‌ی بورس اعتماد کنند.

پنج- آنچه که موجب رونق بورس در آغاز شده بود، عرضه‌های بی‌وقفه‌ی سهام شرکت‌های دولتی در بورس بود. اما دولت پس از مدتی به دلایلی همچون ناتوانی در کنترل تورم، این عرضه‌ها را متوقف کرد و بورس بدون نفس مصنوعی، به یکباره خفه شد.

شش- کاهش قیمت سهام و افت ارزش بورس، خود دلیل دیگری بر تداوم نزول قیمت است. با کاهش قیمت، خریداران سهام دیروز برای جلوگیری از ضرر بیشتر به فروشندگان امروز تبدیل شده‌اند. بنابراین کاهش قیمت ادامه خواهد داشت.

مسئولین بازار سرمایه هم به بیان‌های مختلف گفته‌اند معلوم نیست ریزش ارزش سهام تا کجا پیش خواهد رفت. در این میان ضرر اصلی متوجه سهامداران خرد شده است: کارگر و معلم و پرستار و کارمندی که اندک پس‌انداز خود را برای کم کردن تاثیر کاهش ارزش پول ملی وارد بازار سرمایه کردند و اکنون همه چیز را از دست داده‌اند.

داستان آویزان شدن دولت به سرمایه‌داری مالی ختم نشده است. دولت روحانی تا پایان عمر خود، چنانکه برمی‌آید از ابزارهای سرمایه‌داری مالی برای تامین کسری بودجه و جلوگیری از فروپاشی اقتصادی استفاده خواهد کرد. باید مراقب چاله و چاه‌های پیش رو بود.



بیمه‌ی بیکاری برای بیکاران!



سازماندهی "دیمی کاران" ۱: نگاهی از "جنوب" بخش نهم

ورای قاچاق انسانها و بردگی - ادامه
ادوارد ویستر



اکتبر ۲۰۱۸: اعتصاب کارگران آژانس هاینکن در آفریقای جنوبی

سازماندهی دیمی کاران در آفریقا

بازار کار یکی از نهادهای کلیدی برای شکل دادن به توزیع منابع در یک اقتصاد است. این نکته به دو دلیل واقعیت دارد. اولاً مزد منبع مهم درآمد بسیاری از افراد است. ثانیاً روابط مزدی محل کلیدی کشاکش بر سر منابعی اند که تولید می شوند.

اما طبقه کارگر صنعتی در آفریقا اقلیت کوچکی از مزدبگیران را تشکیل می دهد. در آفریقا، این طبقات کاملاً سیال و منعطف کار اند که جای طبقه کارگر صنعتی متعین را پر می کنند. منظورم از این نکته این است که در حالی افراد همچنان ناگزیر به فروش نیروی کار خویش اند - خواه مستقیماً در بازار کار، خواه غیرمستقیم از طریق نوعی از بازار تولید - اما مقوله هائی همچون "کارگر"، "کشاورز"، "کارمند" و "خویش فرما" تماماً سیال اند.

این واقعیت - علیرغم کوشش گروه هائی از دیمی کاران، سازمانهای غیردولتی و برخی از اتحادیه های کارگری - هنوز همچنان مبین یک چالش ویژه برای سازماندهی کار در آفریقا است. مایل ام در این نوشته سه مطالعه موردی را برای ترسیم این چالش معرفی کنم. اولین مورد، کارگران آژانسی در آبجوسازی هاینکن در آفریقای جنوبی است که چگونگی سازمانیابی در بخش رسمی را ترسیم می کند، در حالی که کار در شرایط غیررسمی انجام می شود. دومین مورد مربوط به کارگران دالا دالا در تانزانیا است: رانندگان و شاگرد رانندگان غیررسمی مینی بوسهای دولتی، که تلاش کارگران را برای



پیشگیری از غیررسمی سازی در بخش حمل و نقل عمومی ترسیم می‌کند. و سومین مورد، مربوط به خیاطان غیررسمی در نیجریه است، که تجربه خوبی را در این باره که چگونه کارگران رسمی و غیررسمی می‌توانند در یک اتحادیه واحد کارگران دوزنده متشکل شوند، عرضه می‌کند. نوشته را با این تأکید که قالبهای سازمانیابی که در جنبش کار افریقا در حال شکل گیری اند، جوهری التقاطی دارند، به پایان می‌برم.

سازمانیابی مبتنی بر منافع مشترک

کارخانه آجوسازی هاینکن در افریقای جنوبی همه کارگرانی را که در آنجا کار می‌کنند، خود مستقیماً استخدام نمی‌کند. تنها کارگران بسیار ماهری که در پروسه استحصال آجو مشغول اند، مستقیماً استخدام می‌شوند. باقی کارگران از طریق آژانسهای کاریابی به کار گرفته می‌شوند. این آژانسها در رقابت با هم و برای گرفتن قرارداد از هاینکن، از دستمزدها می‌کاهند و بر فشار کار می‌افزایند. کارگران دسته بندی می‌شوند و به رقابت با هم کشانده می‌شوند. روشی که اقدام مشترک را بسیار دشوار می‌کند. بنا به تحقیق توماس انگلرت (Thomas Englert) آنچه کارگران آژانسهای کاریابی را به اتحاد حول خواسته واحدی رهنمون شد، ماده ۱۹۸ متمم قانون کار افریقای جنوبی بود. طبق این ماده، این دست کارگران پس از سه ماه به استخدام صاحب کار اصلی در می‌آیند. برای اولین بار این کارگران امکان یافتند که به استخدام مستقیم هاینکن در آیند: چشم اندازی که انتظارات آنان را تقویت کرد و آنان را به مطالبه خواسته های مشترک شان رهنمون شد.

دیمی کاران در کارخانه هاینکن پیشتر هم عضو اتحادیه سنتی کارگران صنایع غذایی و مشابه بودند. اما این اتحادیه جز جمع آوری حق عضویتها و ارائه خدمات در برخی موارد فردی، کار بیشتری نمی‌کرد. به علاوه سیاست این اتحادیه سازماندهی جداگانه کارگران ثابت و دیمی کاران، و جلوگیری از دیدار این دو گروه کارگران با یکدیگر بود. سرانجام در تماس کارگران با "دفتر مشاوره دیمی کاران" – یک سازمان غیردولتی در افریقای جنوبی – بود که راهی به جلو یافته شد. دفتر مذکور کارگران را به استفاده از متمم تازه تصویب شده قانون کار تشویق کرد. این امر به کارگران کمک کرد تا به جای رقابت علیه یکدیگر حول خواست استخدام ثابت متحد شوند. آنها دست به ایجاد فورومی در محل کار زدند که مبنای آن عضویت داوطلبانه و تصمیم گیری شفاف در اجتماعات باز بود. کارگران به کمک دفتر مشاوره گفته شده موفق به تدوین استراتژی جامعی شدند که بر قانون اتکا می‌کرد، توسل به اعتصاب را به عنوان اقدامی نهائی محدود می‌کرد، و کارزاری رسانه ای را برای فشار بر کارفرما جهت تغییر شرایط سازمان می‌داد.

به سرکوب سندیکاها کارگری پایان دهید!



مهاجرین، سازماندهی و هژمونی‌گزینی در منطقه آزاد اقتصادی جنوب شرق آسیا- مکنونگ- بخش ۷

فصلی از کتاب مساله اجتماعی در قرن بیست و یکم - نگاهی به جهان (۱): انتشارات دانشگاه کالیفرنیا ۲۰۱۹

دنیس آرنولد

ترجمه‌ی گودرز



نمونه کامبوج

امکانات زندگی‌های زراعی و صنعتی هر دو ممکن است بزودی از بین بروند و یا در هم ادغام شوند اگر امنیت اجتماعی وجود نداشته باشد. کارگران، ناامید از افزایش دستمزد های ناچیز در کنار عدم تأمین اجتماعی در مذاکرات سه جانبه ملی، در باوت و جاهای دیگر هرچه بیشتر در مبارزه بر سر خواست های خود به سوی خشونت کشیده می شوند. تعداد اعتصابات سراسری در فاصله سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ به شدت (نزدیک به ۲۵۰٪) افزایش یافته است. چندین اعتصاب با خشونت سرکوب شد، اولین آنها با نیروی نظامی در باوت روبرو شد. بیستم فوریه ۲۰۱۲ به دستور چوک باندیث، استاندار وقت ایالت باوت، پلیس بر روی یک جمعیت شش هزار نفری تظاهرکنندگان در منطقه آزاد تجاری مانهاتان در مقابل کارخانه کاوآی که تولید کننده محصولات ورزشی پوما است آتش گشود. در این جریان دو نفر در ناحیه دست گلوله خوردند و زنی با شلیک گلوله به ریه هایش نزدیک به مرگ بود. علاوه بر این اعتصاب سراسری کارگران در صنایع پارچه بافی در سپتامبر ۲۰۱۰ هم اتفاق افتاده بود و سپس در دسامبر ۲۰۱۳ و ژانویه ۲۰۱۴، وقتی که مذاکرات ملی برای افزایش حداقل دستمزد ها شکست خورد، تکرار شد.



آخرین اعتصاب سراسری به درگیری های خشونت بار منتهی شد و پلیس مسلح به اسلحه های-AK 47 روز دوم ژانویه ۲۰۱۴ بر روی جمعیت تظاهرکنندگان در مقابل منطقه صنعتی کانادیا در پنوم پن آتش گشود. پنج تظاهرکننده کشته، ۳۸ نفر مجروح و سیزده نفر هم بازداشت شدند. این برخورد های خشونتبار دولتی در مناطق آزاد صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی نشان می دهد که تأمین نیروی کار مطیع و تحت کنترل چقدر برای حفظ اعتماد سرمایه گذاران به ثبات در صنعت تولید پوشاک مهم است.

رشد جنبش کارگری با رشد کمی تشکل مخالف دولت، حزب نجات ملی کامبوج همراه و همزمان شده است، که در جریان اعتصابات و تظاهرات در سالهای ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ باعث شد که در حزب حاکم خلق کامبوج هم اصلاحات ساختاری و برنامه ای صورت گیرد. اولاً حداقل دستمزد از ۸۰ دلار آمریکا در ماه در سال ۲۰۱۳ به ۱۷۰ دلار در ۲۰۱۸ افزایش یافت، که تنها به کارگران در بخش تولیدات پارچه، لباس و کفش عرضه شد. سخنگوی وزارت کار و آموزش های صنعتی، هنگ سون در ژانویه ۲۰۱۵ اعلام کرد که سری طرح هایی برای بهبود شرایط کار را باید در جوار افزایش اخیر حداقل دستمزد ها مشاهده کرد. مهمتر این که دولت برنامه بهداشت عمومی و بیمه درمانی خود را در میانه سال ۲۰۱۵ اجرا کرد. در فاز اول، یکصد هزار نفر از نیروی کار قرار است از این منافع بهره ببرند که به کارگاه های تولید پوشاک و کفش در پنوم پن و مناطق همجوار آن اختصاص یافته است.

به نقل از "سور"، یک نظرسنجی دولتی، به طور متوسط کارگران ۱۰٪ دستمزدشان را برای امور بهداشت و درمان صرف می کنند. با قانون جدید تأمین بهداشت و درمان، کارگران و کارفرمایان هرکدام ۲٪ و دولت نیز ۶٪ از درآمد آنها را پرداخت خواهند کرد و در نتیجه کلاً کارگران ۸٪ از دستمزدشان را می توانند برای مصارف دیگر به کار گیرند. علاوه بر این در آغاز ۲۰۱۵، نخست وزیر هون سن طرحی را معرفی کرد که در آن هزینه مصرف برق کارگران را تا ۶۱۰ ریل کاهش می دهد - در حال حاضر این هزینه حدوداً ۲۰۰۰ ریل بطور متوسط در مناطق شهری برای هر واحد مسکونی معادل (۰/۵۰\$) تخمین زده میشود. از سوی دیگر در ژانویه ۲۰۱۵ نیز دولت حد احتساب مالیات را تا بالای ۲۰۰\$ افزایش داد. و بالاخره دولت قول داده است که به نرخ اجاره و مسئله مسکن نیز توجه کند، چراکه اجاره ها نیز همراه با دستمزد ها بالا می رود و در عمل افزایش دستمزد ها را خنثی می کند.

The Social Question in the Twenty-First Century Book Subtitle: A Global View

Editor(s): Jan Breman, Kevan Harris, Ching Kwan Lee, Marcel van der Linden Published by: University of California Press

. (2019)

خصوصی سازی را متوقف کنید!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



۷۳ روزه شدن اعتصاب قهرمانانه کارگران حق طلب هفت تپه، ادامه تظاهرات پرستاران علیه کار شرکتی و دستمزدهای اندک، تداوم اعتصابات پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها و شروع اعتصابات در چند کارخانه دیگر، اعتصاب همزمان کارگران انبیه فنی راه آهن در چند منطقه مختلف کشور، اعتصاب و تجمع کارگران نوب آهن اردبیل، نوبخت در محاصره کارگران خشمگین کنتورسازی قزوین، تظاهرات معلمان قراردادی کرج مقابل مجلس، اعتراض کارگران پتروشیمی فارابی، تجمع اعتراضی کارگران پاکدشت مقابل فرمانداری، ادامه اعتراضات کارگران شهرداری‌ها مهمترین رویدادهای کارگری هفته بودند.

۷۳ روز از اعتصاب هفت تپه گذشت

اعتصاب و مقاومت حق طلبانه کارگران مبارز و عدالتخواه هفت تپه در این هفته نیز به رغم همه تلاشها و ترفندهای جمیع اعتصاب شکنان، اختلاسگران و نمایندگان غارتگران اموال عمومی در نهاد های قدرت ادامه یافت و ۷۳ روزه شد. این اعتصاب در واقع به یک کانون مجسم مبارزه طبقاتی و نماد آن در کشور تبدیل شده است.

ادامه مقاومت دلیرانه کارگران هفت تپه به رغم تحمیل گرسنگی به خانواده های آنها مدعیان مبارزه با فساد و عدالت خواهان دروغین امثال رئیسی را به جایی کشاند که باید می کشاند. به سازش جناح های حکومتی و قربانی کردن کارگران بر سر یک سازش طبقاتی ننگین دیگر برای ادامه وضعیت موجود. نصایح روحانی و جهانگیری که هر دوی شان رقیب را از "بالا بردن توقع مردم" حذرباش دادند و



آزاد کردن حساب‌های امید اسدیگی و نیمه‌کاره‌ها کردن محاکمه‌ی وی بار دیگر با وضوح تمام ماهیت به شدت ضد کارگری هر دو جریان حکومتی و زرگری بودن جنگ لفظی آنها علیه فساد را آشکارتر از پیش نمود. از همین روی بعد از این فعل و انفعالات دور از انتظار نیست که فشار هماهنگ از هر دو دوسو به کارگران برای در هم شکستن این کانون مقاومت طبقاتی در روزهای پیش رو تشدید شوند. بهمین جهت فعالین جنبش کارگری لازم است تلاش نمایند با برپایی اعتصابات گسترده‌تر در واحدهای تولیدی مختلف نقشه‌های جناح‌های حکومتی برای در هم شکستن کانون مقاومت کارگران در هفت تپه را بی اثر سازند.

ادامه اعتصابات کارگران پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها

اعتصابات گروه بزرگی از پالایشگاه‌ها و شرکت‌های پتروشیمی در این هفته نیز به رغم همه فشارها، تهدیدات و سانسور خبری ادامه یافت و ۲۵ روزه شد. در این میان ترفندهای رنگارنگ کارفرمایان و مسئولین دولتی که قصد دارند با ایجاد تفرقه در صفوف اعتصابیون و برخورد چندگانه با اعتصابیون به اعتصابات پایان دهند نیز ره به جایی نبردند. در پتروشیمی فارابی صاحب شرکت تلاش نمود با کسر کردن از مزایای مزدی کارگران آنها را به خیال خود تنبیه کند که با واکنش شدید کارگران روبرو شد. بر خلاف انتظارات مقامات دولتی کارگران در ده‌ها کارخانه و محل‌های کار از شهرداری‌ها گرفته تا کارخانجات، معلمان و پرستاران نیز به صفوف اعتصابات و اعتراضات پیوستند.

تداوم اعتراضات پرستاران به رغم وعده‌های مسئولین دولتی

در این هفته نیز در ادامه اعتراضات زنجیره‌ای پرستاران حق طلب صدها پرستار اصفهانی برای اعتراض به خیابان آمدند تا نشان دهند همچنان روی گرفتن مطالبات‌شان تاکید دارند و خواستار عملی کردن آنها بویژه برچیدن بساط شرکتهای دلال و استخدام بی‌واسطه هستند. تظاهرات پرستاران اصفهانی درست چند روز بعد از وعده استخدام ۱۰ هزار پرستار شرکتی و پرداخت معوقات مزدی... توسط مسئولین وزارت بهداشت و درمان نشان داد که پرستاران به امتیازات جزئی تن نمی‌دهند و خواستار اجرای تمام و کمال مطالبات بر حق‌شان هستند. در هر حال همین مقدار عقب‌نشینی مسئولین دولتی نتیجه ادامه اعتراضات پرستاران و همبستگی و هم‌زبانی بین آنهاست. در واقع با دولت و کارفرمایان حریصی که مرزی در استثمار و به انقیاد کشاندن نیروی کار و زحمت نمی‌شناسند جز با زبان اعتصاب و مبارزه نمی‌توان سخن گفت. اعتصاب نه تنها برای گرفتن مطالبات بل که جهت حفظ مطالبات به دست آمده در جمهوری اسلامی اهمیت تعیین‌کننده دارد. خوشبختانه این واقعیت را نه تنها پرستاران بلکه همه مزدبگیران از کارگر ساده گرفته تا معلم و کارمند بخوبی درک کرده‌اند.



تظاهرات معلمان قراردادی کرج در مقابل مجلس

در این هفته نیز بار دیگر عده دیگری از معلمان قراردادی کرج در اعتراض به بلا تکلیفی شرایط شغلی شان تظاهرات بر پا کردند. در هفته های اخیر چندین تجمع مشابه از طرف معلمان قراردادی در شهرهای مختلف برگزار شده اند. خواسته های اصلی این گروه از معلمان استخدام رسمی و برخوردار شدن از حقوق کامل معلمی است. گفتنی است که متوسط سطح درآمد اکثر معلمان قراردادی کمتر از حداقل دستمزد رسمی است که شورای عالی کار برای کارگران تصویب نموده است. شرایط کاری معلمان قراردادی بسیار دشوار و از لحاظ بیمه نیز وضعیت خوبی ندارند چون تنها زمانی می توانند از دفترچه بیمه شان استفاده کنند که سرکار باشند و حق بیمه از حقوق شان کم شده باشد. این در حالی است که معلمان قراردادی اکثرا لیسانسیه و فوق لیسانس و در شغلشان ورزیده هستند و بعضا بیش از ۱۰ سال سابقه کار دارند.

ادامه اعتراضات کارگران راه آهن

اعتراضات و اعتصابات کارگران ابنیه فنی در تاسیسات راه آهن همچنان ادامه دارد و هفته‌ای نیست که آنها در یک منطقه مبادرت به اعتصاب و تجمع نکنند. کارگران ابنیه فنی راه آهن در کرج، کردان، هشتگرد، آبیک، زیاران و ورامین از روز شنبه اول شهریور دور تازه‌ای از اعتصاب را آغاز کردند. مطالبات کارگران علاوه بر پرداخت معوقات مزدی، انحلال شرکت های پیمانکاری در راه آهن و استخدام مستقیم کارگران توسط شرکت راه آهن است. دولت و کارفرمایان که در واقع از وجود شرکت‌های پیمانکاری و دلالی نیروی کار سودهای مضاعف هنگفتی می برند با سرسختی از بقای پیمانکاران دفاع می کنند و حاضر به اجابت مطالبات عادلانه کارگران نیستند. کارگران این شرکتها که از ظلم و ستم کارفرمایان شان به ستوه آمده‌اند متقابلا هر روز که می گذرد بیشتر بر خواسته انحلال پیمانکاری ها پای می فشارند. هم از این روست که لغو کار پیمانی به یک مطالبه سراسری در میان کلیه مزدگیران فرا روئیده است.

اعتصاب و تجمع کارگران ذوب آهن اردبیل استاندار را وادار به واکنش نمود

اعتصاب و تجمع کارگران ذوب آهن اردبیل در این هفته معاون استاندار را مجبور به واکنش و تقلا نمود. مقامات استانداری که تا کنون رویه مماشات با کارفرمای خاطی و بی تفاوتی در مقابل شکایات کارگران را دنبال میکردند ظاهرا رویه شان را تغییر دادند. معاون استاندار خبر از پرداخت حق بیمه کارگران تا پایان تیر ماه و قول پرداخت دستمزدهای معوقه طی روزهای آینده را داد. شایان ذکر است که بنا به گفته این مقام دولتی صاحب اصلی کارخانه آن را به یک شرکت پیمانکار اجاره داده است. یعنی در واقع کارخانه آنقدر ارزش اضافی تولید می کند که جیب صاحب اصلی و پیمانکار را پر کند! با این حال کارگران کارخانه بایستی ماه ها گرسنگی بکشند و منتظر دریافت دستمزدهای ناچیزشان باقی بمانند!



نوبخت در محاصره کارگران مبارز کنترساز قزوین

اعتراضات کارگران حق طلب و مبارز کنترساز قزوین نسبت به پرداخت نشدن مطالبات و بیکار شدن شان در این هفته نیز ادامه داشت. بهمین جهت به محض ورود نوبخت از مدیران اقتصادی دولت روحانی و یکی از سرسخت ترین مدافعان اجرای سیاست های نئولیبرالی و عوامل وضعیت فلاکت بار زحمتکشان کارگران بیکار شده که از قربانیان سیاستهای دولت و حکومت هستند، نوبخت را در محاصره گرفتند و گریبان او را تا گرفتن وعده رسیدگی به مطالبات شان رها نکردند.

اعتراض و تجمع کارگران و خانواده هایشان در پاکدشت به دلیل آماده نشدن خانه هایی که ۱۸ سال در انتظار گرفتن آنها از تعاونی هستند ولی به دلیل اختلاس مسئولین خانه ها ناتمام مانده اند. تجمع و اعتراض کارگران شهرداری ها در آبادان و لالی از دیگر اعتراضات گزارش شده این هفته بودند. همچنین اعتراضات در میان بازنشستگان تامین اجتماعی نسبت به عدم افزایش حقوق های بازنشستگی و اجرای نامناسب همسان سازی بسیار وسیع و شایع است. مسئولین دولتی در این میان تلاش می کنند با دادن وعده های کاذب مانع خیابانی شدن اعتراض و نارضایتی شدید بازنشستگان شوند. تشکلهای بازنشستگی وابسته به حکومت نیز با دودوزه بازی خاص خود و پیش کشیدن زمان پرداخت مبلغ افزوده تلاش می کنند اصل قضیه را که همانا ناچیز بودن مبلغ افزایش حقوق است به سایه ببرند و اذهان را به بیراهه ببرند!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در**

آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>



دولت باید معاش تهی دستان و آسیب دیدگان کرونا را تامین کند!